

کس لیاقت احراز فلان مقام را دارد یا ندارد و یا باید از کار خود برکنارویا از شهر خارج گردد و یا مستوجب مجازات بیشتری است. این مذاکرات محدود به مأمورین دولتی نبود و درباره همه افراد مؤثر بحث و گفتگو می‌شد.

منشی زاده در ضمن اقرار بر و اعترافات خود چنین می‌گوید:

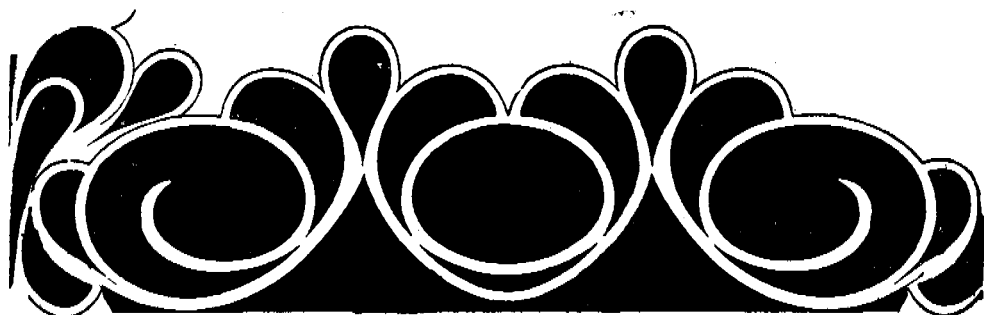


و . . . در جلسات صحبت از اصلاح ادارات بود و ابوالفتح زاده هم در شمیران بود و گاهی هم به شهر آمده در جلسات کمیته شرکت می‌کرد و در باره اشخاصی که اعمالشان امیدبخش نبود خوب نمی‌گفتند، خیلی‌ها بودند که اسمشان به خاطر من نیست ولی اسم منتخب الدوله هم ذکر می‌شد که نامبرده بابلز یکی‌ها ارتباط خصوصی دارد و هم از برای اشخاصی . . . مساعدت می‌نماید ولی صحبت از اینکه به این زودبها ترور شود در میان نبود.

قتل منتخب الدوله خزانه دار کل
 پس از قتل میرزا محسن مجتهد ،
 روزی يك مرتبه جلسه کمیته مجازات تشکیل
 می‌شد و صحبت از تنسيق و تنظیم ادارات
 دولتی و نقل و انتقالات مأمورین به میان
 می‌آمد . مثلاً صحبت از این بود که فلان

اسرار تاریخی کمیته مجازات

نوشته : مهندس جواد تبریزی



که روزی به وزارت مالیه رفته بودم
و ابوالفتح زاده هم همراه بود بهادر السلطنه
را در آنجا ملاقات و بمدار تمارقات لازم،
بناکرد به اوقات تلخی که « منتخب الدوله
موجب مرا در گمراک قطع کرده و با من
دشمنی می کند و در حضور وزیر مالیه با
هم گفتگو و مرافعه کردیم و من به طور
تعرض بیرون آمدم و به وزیر مالیه گفتم
حرکات منتخب الدوله قابل تحمل نیست... »
مشکوة الممالک نیز در اعترافات خود
در نظمیه می گوید :

(۱۰۰۰ عدام منتخب الدوله در
کمیته مجازات مطرح نشد و دوستان خودم
را هم برحسب عقیده مسئول می دانم زیرا
که منتخب الدوله را آدم خاکن نمی دانستم... »
ابوالفتح زاده قتل منتخب الدوله را
به بهادر السلطنه نسبت می داد و در اعترافات
خود چنین می گوید :

« . . . در موضوع ناصر خلوت
خیلی کوشش کردم برای این آدم بدبخت
کاری پیدا کنم زیرا در کارهای مملکتی
زیاد متضرر شده بود ولی در خصوص کمیته
ابتداً با او صحبتی نکرده بودم و اطلاهی
از من تحصیل نکرده بود .

کسانی که متین السلطنه و منتخب -
الدوله را کشته اند اکبر خان پسر ناصر
خلوت آنان را می شناسد زیرا شخص اخیر
سردسته و فرفانده ترورست ها بوده و تمام
کارها به دست او سپرده شده بود به گمانم
شخصی به نام عباسقلی خان ترك و محمود
خان و مهدیخان ترك از قاتلین منتخب -
الدوله بوده اند ... »

مستنطق نظمیه در پایان اعترافات
ابوالفتح زاده اینطور اظهار نظر می کند :
« . . . به هنگام دستگیری ابوالفتح

زاده يك دستمال اوراق و دو قبضه موزر به
دست ما موزین افتاد که اوراق و کاغذجات
عیناً به اداره نظمیه تحویل ولی دو قبضه
موزر که آلات جرم بوده هنوز ارسال
نشده و اما در خصوص کارهای اساسی
کمیته مجازات از جمله قتل منتخب الدوله،
ابوالفتح زاده مطالبی در حق بهادر السلطنه
بیان می کند ولی برای اثبات ادعای خود
مدارك متقن نمی تواند اقامه کند و این
اظهارات وی مورد تردید است ... »

عمادالکتاب در اعترافات خود در
نظمیه درباره علت قتل منتخب الدوله اینطور
بیان می کند :

« . . . به عقیده من در مسئله
قتل منتخب الدوله محرك دیگری در کار
نبوده و آنها به خیال خودشان نمی خواسته اند
کاری کرده باشند زیرا در خصوص سردار
انقصار برادر منتخب الدوله کراً ادا صحبت
می شد که بایستی از مقام خود کناره گیری
نموده و جای خود را به ابوالفتح زاده
واگذار کند ولی خود او را مستحق اعدام
نمی دانستند . من و میرزا علی اکبر ارداقی
از این نوع حرکات منزجر ولی نمی -
توانستیم حرفی به آنها بزنیم - زیرا قوه
مجریه در دست آنها! (منظور ابوالفتح زاده -
منشی زاده) بود ... »

بهادر السلطنه که با کمیته مجازات
و برخی از گردانندگان آن بی ارتباط
نبود پس از دستگیر شدن در اعترافات خود
اینطور نقل می کند :

« . . . روزی که به عیادت حاج
محتشم السلطنه اسفندیاری رفته بودم خبر
قتل منتخب الدوله را آنجا شنیدم حاج
محتشم السلطنه طوری متالم شد که رنگ
و رویش پرید و اظهار کرد که می ترسم با

این غلط کاریها بهانه‌ای به دست اجنبی‌ها داده شود و مملکت به هرج و مرج سوق داده شود. پس از اینکه از منزل حاج محتشم السلطنه به تهران بازگشتم ابوالفتح زاده را دیدم و از او پرسیدم این دیگر چه کاری بود؟ در حالی که از هر کس در خصوص منتخب الدوله سؤال می‌کنم همه از او تعریف و تمجید می‌کنند. من همانطوری که از اعمال سابق کمیته خوشم آمد حالا هم این کار شماها را تنقید و تکذیب می‌کنم و از این کار خیلی بدم آید، پرسیدم گناه او چه بود، ابوالفتح زاده در پاسخ گفت:

«... روز دوشنبه چند بار اسلحه و مهمات را برای سپهسالار به قزوین حرکت داد و با اینکه اداره نظمی هیچگونه اطلاعی از انتقال آن نداشت، با گزارش ما، تمام اسلحه‌ها را نزدیک دروازه شهر باز پس گرفتند...»

بهادر السلطنه - این موضوع که کسی را واجب‌القتل نمی‌کند.

ابوالفتح زاده - خیانت‌های دیگر او را نمی‌دانی.

بها: در السلطنه دنبال صحبت را قطع کرده و سکوت اختیار می‌کند.

ابوالفتح زاده در اعترافات خود در مورد قتل منتخب الدوله می‌گوید:

«... ما سه نفر یعنی منشی زاده و مشکوة الممالک و من با آن دو نفر یعنی عمادالکتاب و میرزا علی اکبر خان ارداقی اختلاف نظر داشتیم و پاره‌ای ملاحظات در بین بود و لذا میرزا عبدالرحیم خان پسر شفاءالملک را به عضویت کمیته نپذیرفتیم ولی اسم منتخب الدوله از طرف کمیته مرکزی مجازات به قوه مجریه داده شده بود ولی همانطوری که سابقاً عرض شد قوه مجریه را به انجام دستورات خود مجبور نمی‌کردیم

بلکه مطالب را به آن تکلیف می‌کردیم...»

منشی زاده نیز در مورد قتل منتخب الدوله اینطور اعتراف می‌کند:

«... روزی در نظمیته نزد ماژور استوار بودم و گزارش اسلحه‌های سردار اقتدار را می‌دادم که تلفون به صدا درآمد و ماژور استوار گوشی را ناگهان رها کرده و گفت عجب منتخب الدوله را نیز کشتند...»

«... من خلمم خیلی تنگ شد و ابوالفتح زاده شب به منزل من آمده و خبر قتل ابوالفتح زاده را گزارش داده گفت حالا که اینطور اتفاق افتاده باید بقیه اعضای کمیته را نیز مطلع کرد که در این جاتشکیل جلسه بدهند». فردا شب که همه اعضاء حضور یافتند همه از این عملیات دلخور و متعجب بودند و ابوالفتح زاده پیشنهاد کرد که باید بیان نامه‌ای در زمینه علت و چگونگی قتل منتخب الدوله از طرف کمیته مجازات منتشر گردد و چون کاری شده بود رفقا همگی حاضر شدند که به همان رویه سابق و معمول بیان نامه وسیله میرزا علی اکبر ارداقی تهیه و پس از چاپ ثلاثین به مقدار کافی توزیع و منتشر گردد. چند روز دیگر بیان نامه مذکور منتشر گردید و دولت نیز نامه‌ای در جراید در خصوص اعمال و رفتار کمیته مجازات منتشر ساخت و قرار شد جواب بیان نامه دولت را نیز میرزا علی اکبر ارداقی تهیه نماید تا پس از تصویب کمیته ارسال گردد. روز دیگر جواب نامه دولت مهر و امضاء شد به طریق معمول منتشر شد.

جرایان قتل منتخب الدوله

روز دهم ماه رمضان ۱۳۳۵ مطابق نهم سرطان بهادر السلطنه در منزل وزیر

مالیه به منتخب الدوله تلفونی اطلاع می -
دهد که آقای وزیر مالیه ایشان را احضار
کرده است .

منتخب الدوله ساعت سه بعد از ظهر از
منزل خود (محل فعلی سر درسنگی -
خیابان کاخ) با درشکه گرایه ای حرکت
می کند همین که مقابل منزل اقبال الدوله
می رسد دو نفر که با دستمال نیمی از صورت
خود را پوشانیده بودند وی را هدف شلیک
چند گلوله قرار داده و سه تیر به پهلو و سینه
او اصابت می کند و پس از اینکه از کاری
بودن عمل خود اطمینان حاصل می کنند از
کوچه معروف بیباقراف فرار می کنند .

(خلاصه از روزنامه ایران ۱۲
رمضان ۱۳۳۵ هجری قمری)

بیان نامه کمیته در مورد قتل منتخب الدوله

عملیات کمیته مجازات خود بزرگ -
ترین شاهدیست که تا کنون هیچ هیئت و
جمعیتی به این متانت و به این بی غرضی
خدمت به وطن نکرده چنان که اگر پنج
روز دیگر به میرزا محسن مجال حیات
داده شده بود آنوقت کابینه حاضر و تمام
هموطنان ما می دیدند که این دلال بی شرم
روحانیت با آن دستهایی که بحرك او بود
چه آشوب پر شور و چه مفسد غیر قابل
ترهیمی برای مملکت ما فراهم می کرد .
چنان که غرور و خیانت و تمهیدات نامشروعی
که این نگهبان شریعت محمدی با مقامات
مربوطه کرده بود اخطار مستقیم کمیته را
که نصیحت و تترك خیانت و هدایت
به مسافرت موقتی او بود به هیچ شمرده و
قابل اعتنا ننموده مسلم بود چنین کسی که

به این درجه بیمناک و در خیانت جسور
باشد در مقابل اقتدار با عظمت کمیته تاب
مقاومت نداشته و مجبور بود که آرزوی
زندگی را به انضمام مواعید خدمتی که به ...
داده بود به زیر خاک ببرد . .

پس از تذکار سابقه فوق که تفصیل
آن بر عامه مکشوف است اینک داخل موضوع
اقدام اخیر شده و شرح احوال و اطلاعات
خودمان را تا حدی که مجاز به افشاء و
انتشار آن هستیم به استحضار عامه می -
رسانیم .

مسئله الاهم فی الاهم یکی از وصایای
بزرگان دین و همین اقدام اخیر خود دلیل
کافیست که کمیته يك جمعیت آشوب طلب
نیست که علاقه مند به امنیت و آسایش خاطر
هموطنان خود نباشد . . . (امضاء و مهر
کمیته مجازات) .

با قتل منتخب الدوله ، مردم مهر
سکوت از دهان بر گرفتند و زبان به انتقاد
گشودند زیرا منتخب الدوله در وضع و
موقعیتی نبود که نظیر میرزا اسمعیل خان
رئیس انبار غله مرتکب خیانتی شده باشد.
تهییج افکار عمومی علیه کمیته
مجازات دولت را برانگیخت تا جائی که
روز ۱۸ رمضان ۱۳۳۵ اعلامیه ای درجراید
مرکز منتشر کرد که بخشی از آن از
روزنامه کوکب شماره ۱۲ ذیلا درج می شود:

بیان نامه دولت در مورد قتل منتخب الدوله

هیئت حاضره وزراء در موقعی که
خدمتگزاری این آب و خاک را تصمیم نمودند
نه این بود که از مشکلات فوق العاده امور
و نواقص اسباب کار بی اطلاع بوده و با آن
که موانع را مفقود و مقتضیات را موجود و

موقع را بی زحمت تصور می کردند بلکه به خوبی به محضورات و عواقب آگاه بوده و می دانستند که رفع مشکلات بدون زحمت فوق العاده و صدمات طاقت فرسا میسر نخواهد بود . . .

مع التأسف از قضایای اخیره چنین استنباط می شود که دولت در تصور خود شاید به خطا رفته و گوئی پاره ای مردم از حوادث گذشته تنبیه نشده و وسائل اصلاح امور را به خوبی تشخیص نداده اند .

زیرا که واقعات اسفناک و جنایات فجیعهای که از چند ماه به این طرف شده بود در کار تکرار است . اگر مرتکبین این جنایات تصور می کنند که با این وسائل موجبات اصلاح امور را فراهم خواهند کرد باید بدانند که طریق معکوسی را می پیمایند و منشاء اعمالی می گردند که از اثرات آن استفاده نخواهند کرد .

از آنجائی که هیئت دولت به نتایج ناگوار این احوال به خوبی آگاهست و می داند که این اعمال و افکار سوء ، مملکت را به کجا سوق خواهد داد . قبلا وظیفه خود می داند که توجه عموم را به عواقب وخیم این نوع اوضاع که به معنی هرج و مرج و خرابی مملکت و استفاده مفرضین تعبیر می شود جداً جلب و مخصوصاً خاطر نشان نماید که در موقعی که مسئله اصلاح امور مذکور اذهان عامه شده و خیر خواهان مملکت از هر طرف دولت را به تهیه موجبات سعادت و تأمین آتیه وطن توصیه می کنند شرط عقل و حس و وظیفه شناسی و وطن پرستی اینست که از منافع خصوصی و خیالات عاری از عمق و اساس که به منزله دادن حجر به به دست بدخواهانست دولت را به خود واگذارند تا با جمعیت حواس به

اصلاحاتی که از بدو امر در نظر داشته و به واسطه حوادث اخیر به عهده تمویق افتاده است اقدام نماید و اوضاع را به جائی نرسانند که دولت مجبور به تصمیمی بشود که شاید برخلاف توقعات و انتظارات باشد .

به دنبال انتشار بیان نامه و اعلامیه دولت . روزنامه ایران نیز طی سر مقاله خود قسمت هائی از اعلامیه مذکور در فوق را درج و ضمن تصدیق مطالب آن اضافه می کند که قسمتی از بدبختی و فلاکت ایران ناشی از نبودن مجازات خائنین و فقدان محاکم صلاحیتدار بود که بتوانند جرائم خائنین را تشخیص و به محاکمه جلب نمایند .

روزنامه کوکب که به جای روزنامه ستاره ایران منتشر می شد پس از درج اعلامیه دولت ، در شماره ۱۳ مورخ ۱۳۳۵ در سر مقاله خود انتقاد ملایمی از روش دولت و عدم توجه به مجازات خائنین نموده است . پس از انتشار بیانیه دولت کمیته مجازات به مرحوم میرزا علی اکبر ارداقی مأموریت داد که نامه جوابیه بیانیه دولت را تهیه نماید اینک نامه جوابیه که بر رد اعلامیه دولت منتشر گردیده ذیلا از نظر خوانندگان گرام می گذرانیم :

پاسخ کمیته به اعلامیه دولت

لازمست نظر خودتان را از افراد دولت امروز و هیئت دیروز يك قدری دور تر انداخته ببینیم دولت ایران در چه خیالی بوده متدرجاً چه احوالی پیدا کرد ... از مسلمیات بدیهیه است عزت و ذلت هر دولت بسته به شدت و ضعف مجازات و هر اندازه که اعمال این قوه ما بین يك

ملتی ضعیف شود به همان نسبت قدرت و شوکت او رو به پستی و فنا می رود .

آیا اشخاص بی طرف حتی افراد با انصاف ، همین همسایگانی که مستقیماً شریک خیانت و مظالم مأمورین خود نبودند لزوم وجود کمیته مجازات را تصدیق نخواهند کرد . آیا با وصف این احوال خیال خواهند نمود که کمیته مجازات را برای اغراض شخصی تشکیل داده است ؟ نه

بعد از اثبات وجود و لزوم برقراری کمیته ، عطف توجه به دولت حاضره کرده می گوئیم : آیا وجود حکومت فعلی و عملیات او مستغنی از کمیته مجازات است ؟ نه

خیال خدمت غیر از خدمت کردن است . اگر بدانید حوادث عالم با این تغییرات مهمی که هزاران رنگ گوناگون در اوضاع دنیانشان می دهد از یک مسئولیت بسیار شدیدی پشتشان لرزیده بهتر از این کار خواهید کرد . اگر قدری تأمل کنید می فهمید که تعقیب این رفتار یک رویه آبرومندانه نبوده و اگر چند صباح دیگر جزو خائنین بشمار نروید اقلاً یک بدنامی و بی لیاقتی پیدا خواهید کرد که کارکنان آتیه ایران حکم انفصال و طرد ابدی شما را از خدمات ملی صادر خواهند نمود .

چنان که هیچ مناسب نبود مظالم و تعدیات حکومتی یزد و استرآباد آقای فخرالملک را در کیسه بی لیاقتی او مهر و موم کرده و به پاره ای جهات خصوصی که ما می دانیم مشارالیه را به حکومت تهران منصوب نمائید

کمیته مجازات با شما و یا هر حکومتی طرف نبوده ولی آرزومند یک دولتی است

که به جان و دل حافظ شرف و نگاهبان تاج و تخت ایران باشد . چنانچه غیر از این بودی گویا مجازات فخرالملک را بر منتخب الدوله مقدم می داشت

در پایان مقال یک نظر تحقیر و لهجه تند ، مدیر نوبهار را به واسطه مندرجات مفرضانه او سرزنش کرده می گوئیم : همان مقصود و منظور خصوصی که شمارا وادار به این اعتراضات کرده است دیگر نمی گذارد با چشم حقیقت ، حقایق اشیاء را ادراک نمائید . کمیته مجازات با آن نیست پاک و محبت مخصوصی که نسبت به تمام هم وطنان خود دارد عجبالتاً همین ملامت و توبیخ را در حق یک نفر هم وطنی که تازه زبان حقیقت گوئی را بسته و متأسفانه جامه دیگر به تن کرده کافی دانسته و امیدوار است بعد از این حقایق احوال را بهتر از این استنباط کند .

« مهر و امضای کمیته مجازات »
(ادامه دارد)

